

حافظ ابرو، پیر احمد خوافی و خواجه یار

گزارش سفر خواف- بخش سوم

ضیاء دیده ابرار حافظ ابرو و نوید رونمایی از جغرافیای حافظ ابرو



ساعت ۶ عصر روز جمعه ۹۱/۱۱/۲۰ به آرامگاه حافظ ابرو می رویم. داخل آرامگاه که می شویم دو سنگ قبر می بینیم که دو سنگ عمودی بلند بالا و پایین هرکدام آنهاست. به قبر سمت چپ اشاره می کنند و می گویند این آرامگاه حافظ ابروست. هیچ نوشته ای روی سنگ نیست.



آقای آل داوود که قرارداد تصحیح جغرافیای حافظ ابرو را با میراث مکتوب دارند این مورخ عصر تیموری را اینگونه به حضار معرفی می کنند:

حافظ ابرو از نویسندگان و مورخان کثیرالاثراواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری است. امتیازات آثار وی از چند حیث است یکی از حیث کثرت آثار تاریخی که حالت مجموعه ای دارد و سعی کرده تاریخ عمومی عالم به روایت تاریخ نگاران اسلامی را بنویسد و در این کار از آثار تاریخ نویسان قبل از خود که متفن بوده استفاده کرده

است. تاریخ او از آفرینش حضرت آدم شروع شده، بخش اول آن اقتباس گسترده ای است از تاریخ طبری، بخش دوم از جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله و بخش سوم ذیلهایی است که خودش نوشته. ذیل هایی چون ذیل جامع التواریخ خواجه رشیدالدین و ذیل حافظ ابرو و چهار جلد زبده التواریخ از مهمترین آثار تاریخی اوست. قسم دوم آثار تاریخی او مجمع التواریخ است که اکثرش نوشته خود او و به قلم خودش است. و از ابتدا تا عصر خود حافظ ابرو را شامل می شود بخش مهمش جلد چهارم آن است که زبده التواریخ است که تاریخ بین دوره مغول و عصر تیموریان را شامل می شود و منابع او در این بخش بیشتر از شنیده ها و دیده های اوست یا از اسناد دیوانی امیر تیمور استفاده کرده، چراکه مورخ رسمی دربار امیر تیمور بوده و همراه تیمور در سفرها و لشکرکشیها حضور داشته. دیگران که بعد از حافظ ابرو تاریخ تیمور را نوشته اند اغلب وامدار اویند و تاریخ عصر تیمور را از او اقتباس کرده اند. وی شاعر نیز بوده، البته شعرش درجه یک نیست و اطلاعات تاریخی هم در لابه لای اشعار خود آورده که از امتیازات شعر اوست.

آقای آل داوود پس از نوید اتمام امر خطیر تصحیح جغرافیای حافظ ابرو تا سال آینده، از جغرافیای حافظ ابرو می گوید که طبق تقسیم بندی وی و آقای سجادی به شش جلد تقسیم شده است. سه جلد اول جغرافیای عمومی عالم است که منبعش کتب جغرافیای اسلامی بوده مثل مسالک الممالکها و صورة الارض و گاه تحقیقات شخصی خودش و سه جلد دوم جغرافیای خراسان بزرگ است - که در تقسیم بندی قدیم نیمی از افغانستان و ماوراءالنهر را هم شامل می شده- این بخش همه تحقیقات خود حافظ ابروست و اطلاعاتش از روستاها و شهرها و رودها و کوهستانها را آورده و در جزو بهترین آثار در شناخت جغرافیای خراسان به شمار می رود. اما دشواریهای تصحیح آن کم نیست. قبل و بعد حافظ ابرو چندان کاری روی جغرافیای این منطقه نشده و آنچه هست مجمل و کلی است.

وی همچنین پیشنهاد کردند فضلالی خواف فرهنگی جغرافیایی برای روستاها و شهرکهای خواف بنویسند و از بزرگان محل و اسناد محلی و مبیعه نامه ها و قباله هایی که هنوز پیش خانواده های قدیمی است بهره برند و سعی کنند تلفظ صحیح مکانها را بدست بیاورند. دکتر صادقی نیز بر اهمیت این کار تاکید کردند و پیشنهاد دادند به دلیل اهمیت تاریخی، در صورت انجام چنین کاری، حتما نام تمامی مناطق جغرافیایی همچون کوه ها، رود ها و دره ها و را نیز داخل کنند.

در میان صحبت‌های آقای آل داوود دو نفری را می بینم که تاکنون معرفی نشده اند نگاه که می کنم پاسخ آن، نگاه مهربانی است که برای خوش آمدگویی آمده است اما گویا به احترام صحبت، مجال آشنایی میسر نمی شود. به آرامگاه پیر احمد خوافی که می رویم ایشان هم می آیند و آنجاست که می فهمم آقای عطوفتی شهردار محترم خواف، پسرعموی آقای احمد عطوفتی، بانی خیر سفر به خواف که پیشتر از ایشان سخن رفت، و یکی از همراهانشان هستند.

در راه از آقای آل داوود در مورد آرامگاه حافظ ابرو می پرسیم. اینکه آیا روایات مختلفی در مورد مدفن او وجود دارد یا نه؟ و ایشان می گویند بله دو روایت هست. خیلی از کتابهای تاریخی گفته اند حافظ ابرو در سفری که با شاهرخ تیموری پسر امیر تیمور به آذربایجان داشته در برگشت در حدود سی کیلومتری زنجان و در سال ۸۳۴ ق فوت کرده است. روایت اول این است که آنجا دفن شده و روایت دیگر این است که حالا یا بعد از مرگش یا همان موقع پیکرش را به اینجا آورده اند و این آرامگاه را برایش ساخته اند.

خواجه غیاث الدین پیراحمد خوافی

در باغی که زیبایی آن چندان در تاریکی شب قابل تشخیص نیست. به آرامگاه پیر احمد خوافی می رویم سمت چپ قبر خواجه، دو قبر دیگر است که یکی از آنها آرامگاه خواجه شمس الدین مطهری متوفی ۱۳۶۹ ش است.

آقای توکلی و لباف اطلاعاتی راجع به این بنا می دهند که ماحصل آن چنین است:

خواجه غیاث الدین پیراحمد خوافی از رجال صاحب نظر و مورد اعتماد عصر تیموریان بوده که در سال ۸۲۰ ق به مقام وزارت شاهرخ تیموری رسیده، در مدت وزارتش مدرسه غیاثیه خرگرد، مزار شیخ زین الدین خوافی، مزار شیخ زین الدین ابوبکر تایبادی و ده ها اثر معماری عام المنفعه دیگر را بنا کرد. وی در ایام سلطنت بابر میرزا در سال ۸۷۵ ق مورد بی اعتنائی قرار گرفت و بعد از مدتی وفات یافت. مقبره وی قسمتی از باغ بزرگی است که بنا به درخواست خودش در ابتدای ورود به آن دفن شده است.

آرامگاه خواجه یار

در سرمایی که اغلب همسفران حاضر به بیرون آمدن از ماشین نیستند از مزار خواجه یار که یکی از شهدای صدر اسلام است دیدن می کنیم.





نزدیکهای ساعت ۸ شب بود که گفتند قرار است یک گروه موسیقی محلی خراسانی بیاید. یک گروه پنج نفره به سرپرستی آقای سیف الله ورزیده که نوازندهٔ دف بودند و پسرشان دانیال که حرکات موزون محلی انجام می داد، شمس الله پونه شاگرد و برادر زادهٔ عثمان محمدپرست، آقای حبیب الله توکلی خواننده و نوازندهٔ دوتار و آقای محمود احراری نوازندهٔ دو تار، زدند و نواختند و خواندند و دانیال هم به خوبی اجرا کرد. بسیار لذت بردیم.



تهیه و تنظیم گزارش:

نفیسه ایرانی